

"امین حبیب خداست"

تلاش همراه با همدلی برای کمک به ممنوع تنها یک شعار نیست. گزارش خانم مینا آزارشی، کارشناس روابط عمومی، تنها یکی از مدها تلاش همکاران حوزه سلامت را برای اثبات این ادعا ثبت کرده است.

تلاش همراه با همدلی برای کمک به ممنوع تنها یک شعار نیست. گزارش خانم مینا آزارشی، کارشناس روابط عمومی، تنها یکی از مدها تلاش همکاران حوزه سلامت را برای اثبات این ادعا ثبت کرده است.



"مهمان حبیب خداست" چیزی نیست که از یاد ما ایرانی ها برود. ما هر جا و در هر موقعیتی که باشیم، مهمانان خود را ارج می نهیم و گرمی می داریم. شاید به این دلیل است که ما بعضی وقت ها به بعضی ها غبطه می خوریم چرا که هر روز به مهمانانی خوش آمد می گویند که بوی زندگی می دهند. بوی ته کوچه هایی را که شاید بعضی هایمان هیچ وقت گذرمان به آنها نمی افتد.

همکاران من در بیمارستان ها از این گروه افراد هستند. آنها هر روز پذیرای مهمانانی هستند از هر رنگ از هر طبقه و از هر جنس. همکاران من چه آنهایی که در بخش زایمان یک بیمارستان اولین گریه یک بچه را طبیعی ترین تعریف زندگی می دهند، چه آنهایی که به عنوان یک پرستار در یک بخش درمانی سعی در پررنگ تر کردن طرح زندگی با قلم موی امید هستند، همه می دانند که مهمانان شان از عزیزترین کسان شان در زندگی هستند. چه مهمانانی که اولین نفس را در کنار آنها می کشند چه مهمانانی که از امید صاحبخانه خود نفس می گیرند.

همکاران من در بیمارستان امیر المومنین (ع) مرآه بیش از پنج ماه است که پذیرای مهمانی هستند که یک روز تنها از روی یک اتفاق ساده هوشیاری خود را از دست داد. امین، ۱۱ ساله، که به همراه پدر خود از روستا به مرآه آمده بود در اثر تصادف دچار ضربه مغزی شد و هوشیاری خود را از دست داد. او بلافاصله به بیمارستان امیر المومنین (ع) منتقل شد. سطح هوشیاری او بسیار پایین بود و مدام دچار تشنج می شد. پزشکان اورژانس بیمارستان تلاش می کردند تا از مهمان تازه رسیده خود پذیرایی کنند و چراغ زندگی اش را روشنی ببخشند. اما اسپاسم های شدید عضلانی امید را در چشم میزبان ها و پدر امین خاموش می کرد.

آقای دکتر میانداوآچی و خانم دکتر رزم گیر، جراحان مغز و اعصاب، در بخش اورژانس بیمارستان، ساعت ها بر سر بالین امین بودند تا به مهمان خود نشان دهند که آنها می دانند مهمان حبیب خداست و هر چه از دست شان بر می آید خواهند کرد تا امین چند روزی بیشتر مهمان آنها باشد. دکتر میانداوآچی می گوید: در اثر له شدگی کاسه سر، خونریزی های متعدد در نواحی مختلف سر امین وجود داشت و این امر کار درمان او را خیلی مشکل می کرد. اما ما تلاش خود را کردیم و امین را تحت دستگاه ونتیلیتور در بخش آی سی یو بستری کردیم.

مهرماه امسال برای امین نوری که تازه می خواست سر کلاس چهارم ابتدایی حاضر شود کمی متفاوت بود. امسال او کل همراه را در بخش آی سی یو بیمارستان امیر المومنین (ع) مرآه تحت مراقبت تیم بیهوشی و متخصصین مغز و اعصاب قرار داشت. روزهایی که همه به رنگ هم بودند و امین به هیچ وجه حاضر نبود به خوشامد گویی و پذیرایی میزبانان خود واکنشی نشان دهد. اما با شروع آبان ماه سطح هوشیاری امین کمی بالا می رود.

اواسط آبان ماه، آقای دکتر نظری، جراح گوش حلق بینی، عمل تراکستومی انجام داد تا امین بتواند راحت تر نفس بکشد. اما هنوز امین به هیچ یک از اقدامات میزبانان خود واکنش نمی داد. گویی او هنوز به کتاب هایی فکر می کرد که در خانه تنهای شان گذاشته بود و دلشان برای امین تنگ شده بود. در بخش داخلی، آقای دکتر محمدی زاد، متخصص مغز و اعصاب، هر روز بر بالین امین حاضر می شد تا به گوش او بگوید ما همه بر این اصل باور داریم که مهمان حبیب خداست و حتی اگر تو به خوشامد گویی ما پاسخ ندهی باز ما از تو پذیرایی خواهیم کرد.

روز ها، هفته ها و ماهها گذشت. امین نه از سردی روزهای آذرماه و دی ماه خبردار شد نه از گرمایی که میزبانان او تلاش می کردند برایش فراهم کنند. گویی زندگی او در سر کلاس جا مانده بود و او حاضر نبود به هیچ وجه در جای دیگری یادی از آن کند. اما اوایل بهمن ماه امین تصمیم گرفت به سلام میزبانان خود علیکی بگوید. او به محرک ها واکنش نشان داد و سطح هوشیاری اش بیشتر و بهتر شد.

بیش از پنج ماه است که امین مهمان همکاران من در بیمارستان امیر المومنین (ع) است. پرستاران به همراه پزشک های متخصص و متعهد هر روز در کنار او هستند. آنها می گویند: حالا امین می تواند بخورد و بنوشد و حتی با پلی استیشن خود بازی کند. این برای ما همه چیز است چرا که ما توانستیم ثابت کنیم که مهمان حبیب خداست و ما از هر چه داریم در راه دوست خدا ایثار می کنیم.





لینک مطلب در مسابیت : <http://mrgums.ac.ir/?MID=21&Type=News&id=437>